

از چشم نابینایان

دنی دیدرو . گرت هوفمان . آندره ژید

مترجم

اسکندر آبادی

با معرفی

علی امین نجفی



نقشروا

تهران

۱۳۹۶

Denis Diderot
Lettre sur les aveugles à l'usage de ceux qui voient
Pensées philosophiques
Laurent Durand, Paris, 1746

+

Gert Hofmann
Der Blindensturz
Hermann Luchterhand Verlag, Munich, 1985

+

André Gide
La Symphonie pastorale
La Nouvelle Revue française
Paris, 1919

سرشناسه:	آبادی، اسکندر، ۱۳۳۸، گردآورنده و مترجم.
عنوان و پدیدآور:	از چشم نابینایان؛ دنی دیدرو، گرت و فمان، آندره ژید؛ گردآورنده و مترجم اسکندر آبادی.
مشخصات نشر:	تهران، نشر ماهی، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری:	۲۸۸ ص.
شابک:	ISBN 978-964-209-253-6
وضعیت فهرست نویسی:	فیبیا.
یادداشت:	بخش اعظم کتاب حاضر شامل نامه‌های درباره‌ی نابینایان برای آگاهی بینایان اثر دنی دیدرو، سقوط کوران اثر گرت هوفمان و سمفونی پاستورال اثر آندره ژید است.
موضوع:	داستان‌های کوتاه - مجموعه‌ها.
موضوع:	نابینایان در ادبیات.
موضوع:	نابینایی - داستان.
شناسه‌ی افزوده:	دیدرو، دنی، ۱۷۱۳-۱۷۸۴ م.
شناسه‌ی افزوده:	هوفمان، گرت، ۱۹۳۱-۱۹۹۳ م.
شناسه‌ی افزوده:	ژید، آندره پل گیوم، ۱۸۶۹-۱۹۵۱ م.
شناسه‌ی افزوده:	امینی نجفی، علی، ۱۳۳۴ - ، مصاحبه‌گر.
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۴ الف ۴ / ۲ PZ1
رده‌بندی دیویی:	۸۰۸ / ۸۳۱
شماره‌ی کتابخانه‌ی ملی:	۴۱۰۰۱۲۹

۱۲۷۸۴۱۱

۱۶ / ۱ / ۹۶

دوم نایبایان

نویسندگان	سید پرویز گرت، فرمان، آندره زید
مترجم	اسکندر آبادی
ویراستاران	هدی نوری
	سیرت اسماء بود
چاپ اول	زمستان ۱۳۰۰
تیراژ	۵۰۰
مدیر هنری	حسین سجادی
حروف چینی	سپیدار
لیتوگرافی	آرمانسا
چاپ متن و جلد	صنوبر
صحافی	سپیدار

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۲۰۹-۲۵۳-۶
همه حقوق برای ناشر محفوظ است.



فهرست

سخنی درباره‌ی این کتاب

۷

نامه‌ای درباره‌ی این بیان برای آگاهی بینیان

دنی دنا رو

۱۱

سقوط کوران

گرت هوفمان

۸۳

سمفونی پاستورال

آندره ژید

۱۹۱

نابینایی و فرهنگ

گفت‌وگوی اسکندر آبادی و علی امینی نجفی

۲۴۹

سخنی درباره‌ی این کتاب

از سال‌ها پیش، در استان آشنایان دور و نزدیک کنجکاو می‌راندند که اسکندر آبادی برانگیخته بودند او به ویژه برای ایرانیان فاضل و فرهیخته‌ی مقیم آلمان نامی آشناست. آن‌ها با تمجید از توانایی‌های شگرف او توصیه می‌کردند حتماً با او، که مثل من مقیم آلمان است، آشنا شویم.

نزدیک ده سال پیش، ما هر سه به تصافیمیم شهر کلن شدیم و فرصتی پیش آمد که او را شبی در خانه‌ی دوستی ببینیم. او از هر دری گرم صحبت شد، به ویژه درباره‌ی هنر و ادبیات. آشنایی و مصاحبت با او از آنچه شنیده بودم نیز دلنشین‌تر بود و به زودی به دوستی کشید.

حشر و نشر با اسکندر آبادی زمانی بیش‌تر شد که در آلمان که هیچ‌یک از آن دل‌خوشی نداشتیم، با هم همکار شدیم. تنها دل‌خوشی من در آن زمان، تفریح و استراحت این بود که به اتاق آرام اسکندر بروم و دقایقی با او گپ بزنم. در همین دوران کوتاهی که با او بودم، اما مداوم بود که به شخصیت استثنایی اسکندر و استعدادهای شگرف او می‌بردم. دوست نابینای من در خانواده‌ای تنگدست به دنیا آمده و با فقر و محرومیت بزرگ شده، اما با تکیه بر هوش سرشار و تلاش و پشتکار شخصی‌اش امروزه فردی ممتاز و قابل احترام است. او به راحتی به چند زبان حرف می‌زند، فارسی را درست و روان می‌نویسد، چند ساز را شیرین می‌نوازد و در حوزه‌های گوناگون فرهنگی صاحب نظر است.

اسکندر نکته‌سنج و خوش صحبت و مجلس‌آراست، طنزی قوی در زبان و

اینانی از نکته‌ها و مثل‌های ظریف در حافظه دارد. شعر هم می‌گوید و گهگاه با هم «اخوانیات» هم رد و بدل کرده‌ایم. شاید برجسته‌ترین ویژگی اسکندر چندوجهی بودن ذهن کاوشگر اوست: از سویی تحصیلات دانشگاهی را با موفقیت به پایان برده و در مطالعات و تحقیقات نظری، به ویژه در زبان و ادبیات آلمانی، احاطه‌ای درخور دارد و از سوی دیگر روی صحنه و در ارائه‌ی برنامه‌های هنری و اجرای موسیقی، با هر رنگ و بسویی، مهارتش کم‌نظیر است، تا حد حرفه‌ای.

فکرگردآوری این کتاب به تدریج و شاید ظرف بیش از یک‌سال شکل گرفت. من به زندگی و کار اسکندر با کنجکاوی سرشار از تحسین و اعجاب نگاه می‌کردم. و هر هر فرصتی که پیش می‌آمد، با او در کارهای عملی و گرایش‌های ذوقی‌اش بیشتر بدانم. گفت‌وگوهای ما خواص ناخواه همیشه به دنیای مبهم و ناشناخته‌ی ناینیایان می‌کشید و به آثاری که بر آن نیان تاریک اندکی روشنی می‌افکنند. در همین دیدارها به او پیشنهاد کردم کتابی فراهم او، هم درباره‌ی ناینایی، با تکیه بر نمونه‌های مهمی که در تاریخ هنر و ادب می‌توانم با مروری در فرهنگ‌نامه‌ها و گشتی در دنیای مجازی، با درج و تأسف سرجه شدم که در این حوزه در زبان فارسی کمبود زیادی وجود دارد. از او خواستم چه اثر خوب را به فارسی برگرداند و قول دادم متن‌هایش را ویرایش و برای چاپ آماده کنم.

اولین متنی که در این جا آمده رساله‌ای است از جی. دیدرو (۱۷۱۳-۱۷۸۴)، فیلسوف نامدار دوران روشنگری. دیدرو از مؤلفان اصلی *دائرةالمعارف* است که از شالوده‌های نظری مدرنیته به شمار می‌رود. این رساله که در قالب نامه‌ای به همسر فیلسوف نوشته شده، یکی از نخستین رساله‌هایی است که به شکل *مکتوب* به ناینایی پرداخته و جوانب و مسائل اصلی آن را بازگو کرده است.

متن دوم متعلق به ادبیات مدرن آلمان است. نویسنده‌ی آن، گرت هوفمان (۱۹۳۱-۱۹۹۳)، در ایران شهرت چندانی ندارد، اما نویسنده‌ی مهمی است و کارهایش به بسیاری از زبان‌های غربی ترجمه شده. داستان سقوط کوران گوشه‌ای از تاریخ هنر را دستمایه قرار داده و روند شکل‌گیری تابلو معروفی از پیتر بروگل (۱۵۲۵-۱۵۶۹)، نقاش نامدار هلندی، را با ظرافت بازگو کرده است. ماجرا به پایان سده‌های میانه مربوط می‌شود و داستان بالحن طنز و ژرف‌بینی ویژه‌ای

هم به چند و چون هنر نقاشی در آن دوران پرداخته است و هم به موقعیت نابینایان در جامعه.

متن سوم داستانی است از آندره ژید (۱۸۶۹-۱۹۵۱). سمفونی پاستورال از معروف‌ترین آثار این نویسنده‌ی نامدار فرانسوی به شمار می‌رود و در سال ۱۹۴۶ ژان دلانوی، کارگردان نامی، آن را به فیلم برگردانده است. با کندوکاوی در اینترنت متوجه شدیم که متن یادشده به فارسی ترجمه شده، اما با کاوشی بیش‌تر دریافتیم که به‌احتی می‌توانیم این موضوع را نادیده بگیریم.

حتی ترجمه‌ها آماده شد و من آن‌ها را ویرایش کردم. در نظر داشتم در پیس‌گذاری مفصل به معرفی متن‌ها و مترجم آن‌ها، اسکندر آبادی، پردازم. اما بعد ترجیح دادم، بجای نوشتن مقاله‌ای خشک و خالی، مطالب را به شکل زنده‌تر و درگفت‌وگویی با آن نویسنده با اسکندر مطرح کنم. گفت‌وگو را در یک بعدازظهر باصفای بهاری در دفتر کار اسکندر آبادی انجام دادیم و سپس اندکی آن را رفت و روب کردیم و سرانجام کتاب جا دادیم.

بی‌پرده بگویم که برای چاپ این کتاب درباره‌ی جماعتی که در دنیا از بخت و اقبال سهم‌چندانی نبرده‌اند شانس زیادی نمی‌دادم. با این همه، کتاب را به مدیران نشر ماهی پیشنهاد کردم و بسیار خوشحال به آن‌ها با روی گشاده و لطف بیکران به چاپ آن همت گماشتند.

علی امینی نجفی

کلن و بن

مه ۱۳۹۴، اردیبهشت ۱۳۹۴